

جرئت نمی کنیم حرفی بزنیم

روایتی از زنان کارگری که قانون های حمایتی را نمی دانند

● نیلا جان قربان | کار از آن

دست فعالیت های اجتماعی است که زندگی اجتماعی و اقتصادی از گذشته تا به امروز به ما تحمیل کرده است. این روزها شدت تحمیل آن بیشتر شده و در خانواده ها نه تنها مردان بلکه زنان نیز مجبور به کسب درآمد برای تأمین هزینه های زندگی هستند. تأمین درآمدی که افراد را در شهرها و شهرک ها مجبور به پذیرش کارهایی می کند که هر چند عنوان کارگری دارد و قرارداد تنظیم می شود، اما پشتوانه حقوقی برای کارگران ندارد به خصوص برای زنان.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱، سیاست های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که بر اساس آن «شرایط و محیط کار اجتماعی بانوان باید به گونه ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه ای آنان فراهم شود». اما با وجود تمام تبصره های قانونی، متأسفانه برخی از کارفرمایان به دلایلی غیرمنطقی و غیرقانونی، کارگران زن را با حقوقی کمتر از حقوق مردان به کار می گیرند و زنان به دلیل نیاز مالی و بیکاری، به دریافت حقوق کمتر از حداقل قانونی رضایت می دهند.

● مردها مدیر و زن ها کارگر

زن مخفیانه شماره ام را می گیرد و قرار می شود هر وقت زمان مناسبی برای صحبت بود، یک پیامک بدهد تا با او تماس بگیرم. حدود ساعت یازده شب روز بعد برایم پیام می گذارد که همین الان زنگ بزنید. زنگ می زنم. به جان تمام داشته ها و نداشته هایم قسم می دهم که اسمی از او ننویسم و صدایش را ضبط نکنم و اینکه اگر مسبب اخراجش شوم تا عمر دارم رانفرین خواهد کرد! شروط را می پذیرم و با او درباره شرایط کارش هم صحبت می شویم. در یک کارخانه قطعه سازی خودرو کار می کند. می گوید: «پنج سال است که به هر بدبختی که شده خودم را اینجا نگه داشته ام. سواد درست و حسابی ندارم و تا پنجم بیشتر درس نخوانده ام، ولی هوشم خوب است و کار با دستگاه ها را زود یاد گرفتم. در کارخانه ما البته سواد و توانایی و هوش اصلا نقشی در میزان حقوق و جایگاه ندارد.

مردها بیشتر مدیر و سرکارگر هستند و ما زن ها کارگر. بعد باز دوباره کلی قسم می دهم و می گوید: «یک چیزی هم هست که نمی دانم بگویم یا نه، ولی اگر جایی درز کند حتما بیرون می کنند. اینجا خانم های شوهردار را استخدام نمی کنند. نه اینکه خدای ناکرده روابط بد باشد، نه، خاک به زبانه. فقط می گویند خانم های مجرد یا بدون شوهر، چون زنی که شوهر داشته باشد ممکن است باردار شود و مرخصی برود و نیروی کار کم شود. همین چند وقت پیش یکی از دخترهای اینجا با یکی از کارگران مرد ازدواج کرد و مدیر کلی لطف بهشان کرد و فقط یکی از آن ها را بیرون کرد. دخترتک طفلی تازه باید کار می کرد و جهاز جمع و جور می کرد که بیرونش کردند و از ترس اینکه شوهرش را هم بیرون نکنند، دیگر دنبال شکایت و این حرف ها نرفت. البته همیشه به ما توی کارخانه می گویند که یک وقت فکر شکایت نکنید که حرفتان به جایی نمی رسد. الکی هم نمی گویند. نمی دانم کجاها آشنا دارند که نمی گذارند حرف ما به جایی برسد. همین چند روز پیش یکی از همکاران آقای چپه دار شد، بهش یک روز مرخصی دادند، گفت بر اساس قانون یک هفته باید بهش مرخصی بدهند. سرکارگر هم گفت:

● اگر حرفت به جایی

می رسد برو و شکایت کن. آن بنده خدا هم رفت و سرش را به کارش بند کرد.

حالا مردها هر طور هست با هم کنار می آیند و چون حقوق بیشتری می گیرند باز هم تحمل می کنند ولی ما زن ها همیشه کمتر حقوق می گیریم و هیچ وقت هم نباید حرفی بزنیم.»

● نمی دانم این ها قانونی هست یا نه

پیدا کردن زنانی که در کارخانجات مشغول به کار هستند و مشکلاتی دارند که حاضر به گفتن آن باشند، بسیار سخت است، چرا که خیلی ها از ترس اخراج شدن حاضر به گفت و گو نیستند. کارگر خانم دیگری درباره مشکلاتی که در کارخانه دارد، می گوید: «شنیده ام که در قانون زن ها نباید کارهای سخت انجام دهند و بار جابه جا کنند، ولی ما اینجا بسته های پتل را باید بار چرخ کنیم و داخل سوله بعدی ببریم. هفته ای یک شب هم شیفت شب باید بمانیم. نمی دانم این ها قانونی هست یا نه ولی ما که جرئت نمی کنیم حرفی بزنیم.»

● اگر باردار بشوی دیگر اینجا برایت کاری نیست

یکی دیگر از خانم ها که در کارخانه بسته بندی کار می کرده و حالا به دلیل بارداری از کارخانه اخراج شده است، می گوید: «با شوهرم در کارخانه بسته بندی کار می کردیم. سرکارگر همیشه به شوخی می گفت اگر باردار بشوی دیگر اینجا برایت کاری نیست. باورم نمی شد و می گفتم تازه بعد از زایمان هم باید من را به کار بگیرند. اما راست می گفت. باردار که شدم به بسته بندی زعفران حساسیت پیدا کردم و درخواست جابه جایی دادم. اول موافقت کردند و به بخش اداری رفتم، ولی سه ماه بعد که قرارداد تمام شد، دیگر با من قرارداد نیستند. البته قرارداد شوهرم تمدید شد. سؤال هم کردم که اگر می شود شکایت کنم ولی گفتند چون قرارداد تمام شده، من حقی ندارم.»

از او می پرسم
آیا در کارخانه زنی که

بچه شیر بدهد هم داشته اند یا نه؟

می گوید: «کسی که تازه زایمان کرده باشد که اصلا

نداشتیم. فقط یک خانم را تا زنگی استخدام کرده بودند که خودش می گفت بچه دو ساله دارد و شیر می خورد، ولی به شرط اینکه بچه با خودش نیاورد با او قرارداد بسته بودند. خودش می گفت سفته هم گرفته اند که یک وقت زیر حرفش نزنند.»

● کارگران اهل شکایت کردن نیستند

با یک حقوقدان هم صحبت می شوم. غلامرضا حقیقی درباره پرونده های شکایت کارگری می گوید: «کارگران کلا اهل شکایت کردن نیستند و از ترس اینکه اگر شکایت کنند دیگر جایی به کار گرفته نشوند، شکایت نمی کنند و دنبال حقوق خود نمی روند. البته کارخانه ها هم از بی سواد بودن کارگران و احتیاج آن ها به کار سوء استفاده می کنند و قراردادهای کوتاه مدت و با قید و بندهایی می بندند که دست کارگر کاملاً بسته است. اما برای سخت ترین و یک طرفه ترین قراردادها هم می توان شرایطی برای حمایت از کارگر پیدا و احیا کرد.»

اوبه کارگران توصیه می کند: «تا جایی که می توانید با کارفرما کنار بیایید و کارتان را از دست ندهید. به هر حال، حتی اگر حق هم با شما باشد باز هم پیگیری های اداری و حقوقی وقت گیر و هزینه بردار است. چنانچه درباره موضوعی مشکل دارید با کارفرما صحبت کنید، یا قانع می شود یا شرایط تغییری نمی کند و شما با شرایطی که شاید با توجه به قرارداد بتوان به نفع کارگر عمل کرد، کارخانه را ترک می کنید که این موقعیت خوبی است. اما متأسفانه برخی